

مدرنیته، شبیهه و دموکراسی

بر مبنای

یک بررسی موردی دربارهٔ حزب تودهٔ ایران

اصغر شیرازی



نشر اختران

فهرست مطالب

۷	قدردانی
۹	پیشگفتار
۵۹	۱. تاریخ و دانش حزب توده ایران
۱۰۷	۲. تصور حزب توده از جامعه ایران و دنیای مدرن
۱۹۷	۳. هدف‌ها و راه‌ها
۲۴۱	۴. حزب توده در عمل
۳۱۹	۵. مسئله وابستگی
۳۶۳	۶. انتقاد و انفصال
۴۰۵	۷. دوران تجدیدنظر
۴۵۷	جمع‌بندی و نتیجه
۴۶۵	مآخذ
۴۸۹	نمایه

پیشگفتار

موضوع اصلی این کتاب بررسی موردی حزب توده است. ولی پیوند این موضوع با مدرنیته و شبهه، مرا و امی دارد که مقدمه آن را با طرح این مسائل شروع بکنم. می‌خواهم با این کار از ابتدا روشن کرده باشم که قصد کتاب شرح تاریخ این حزب و یا نقد آن تنها از یک منظر سیاسی نیست، بلکه دیدگاه دیگری را برای این نقد پیشنهاد می‌کنم. این دیدگاه بر این فرض نهاده شده است که نظریات و فعالیت‌های حزب توده و شبهات و اشتباهات محتمل در این دو امر را نمی‌توان به حد کافی تحلیل کرد، مگر آنکه این کار را در پرتو رویارویی دو نوع تمدن مدرن و پیش‌مدرن، تمدن دنیای جدید و تمدن سنتی ایرانی نیز، انجام دهیم. از این دیدگاه می‌توان به نقد نظریات و فعالیت‌های هرگرایش روشنفکری یا سیاسی - روشنفکری ایرانی دیگر نیز دست زد. پیش از توضیح این مدعا ذکر دو نکته را لازم می‌دانم: ۱. وقتی در این کتاب از شبهه سخن می‌رود، منظور آن نوع ادراکی است که نسبت آن با مصادیق واقعی، به علت به کار بردن روش‌های معرفتی نامناسب، دچار خدشه و خلل شده است. همان‌طور که در همین مقدمه خواهد آمد شبهه در اینجا به‌طور عمده ناشی از مقدمات اجتماعی و تمدنی آن است. ۲. در این مقدمه بیشتر از روشنفکرانی صحبت می‌کنم که در عرصه سیاست فعال بوده‌اند. بنابراین، کار روشنفکرانی که خارج از این حوزه فعالیت داشته‌اند، مثلاً در حوزه فلسفه یا ادبیات محض، مدنظر قرار نخواهد گرفت.

تلاقی جامعه ایران با دنیای مدرن و تأثیرات این تلاقی بر وجوه مختلف زندگی ایرانیان، موضوع گفتمان پرتش و بادوامی در میان روشنفکران و جامعه‌شناسان ایرانی بوده است که هنوز هم ادامه دارد. یکی از موضوعات مرکزی این گفتمان مسئله تأثیر این تلاقی بر اندیشه و رفتار روشنفکران ایران بوده است. قصد نوشته حاضر شرکت در این گفتمان از طریق بررسی شبهات نظری حاصل از این تلاقی و اشتباهات عملی ناشی از این شبهات است. در بررسی شبهات نظری توجه این کار بر تصورات روشنفکران سیاسی ایرانی از جامعه ایران و دنیای مدرن، از یک‌سو، و هدف‌ها و استراتژی‌های سیاسی و اقتصادی آنها، از سوی دیگر، متمرکز شده است. در بررسی اشتباهات عملی بیشتر آن بخش از این اشتباهات در مرکز توجه قرار دارد که بر روند دموکراتیک شدن جامعه ایرانی تأثیرگذار بوده است. فرضیه مرکزی این بررسی دایر بر آن است که شبهات نظری و اشتباهات عملی مورد نظر، ناشی از نوع واکنش جامعه ایرانی به‌طور عام و روشنفکران آن به‌طور خاص در مقابل دنیای مدرن بوده است. تقلید و اعتراض دو شکل اصلی این واکنش را تشکیل می‌دهند و این دو، خود حاصل کیفیت آن دو تمدنی است که در تلاقی مذکور شرکت داشته‌اند. شکل سومی هم ممکن است وجود داشته باشد که آن را اقتباس می‌خوانند. تفاوت آن با تقلید مسئله‌ای است که به آن اشاره خواهد شد.

در گفتمان مذکور برای مشخص ساختن دنیای بیرون غالباً مفهوم «غرب» یا «مدرنیته» را به کار می‌برند. در این اثر، من ترجیح می‌دهم که از مفهوم «دنیای مدرن» استفاده کنم، زیرا بسیاری از تأثیرات مورد نظر در بررسی موردی این کتاب از آن بخش از دنیای مدرن برخاسته‌اند که نمی‌توان آن را زیر عنوان «غرب» آورد. مقصود در درجه اول شوروی سابق است که، دست‌کم، از آنچه غربی می‌خوانند قرائت دیگری را ارائه داد، و بنابراین منشأ اثراتی متفاوت از اثرات دنیای غرب بود. اگرچه جامعه شوروی سابق از پیشاهنگان مدرنیته نبود، ولی قرائتی که از مدرنیته ارائه داد به‌نوبه خود

منشأ اثرات بزرگی به‌ویژه بر آن بخش از دنیای پیش‌مدرن شد که پس از شوروی وارد دنیای مدرن شد.

تلاقی تمدن‌ها^۱

شرایط داخلی و خارجی آشنایی ایرانیان با دموکراسی را ماهیت دو تمدنی تعیین می‌کنند که تلاقی آنها موجب این آشنایی شده است. در یک جانب این تلاقی تمدن پویا، جهان‌گستر و پرتوان دنیای نو وجود دارد که به‌سبب دستاوردهای متنوع و حیرت‌انگیزش از جاذبه مقاومت‌ناپذیری برخوردار است و در طرف دیگر، تمدنی از پا افتاده، سنت‌گرا و ایستا که دیگر وسیله چندان برای مقابله با آن تمدن نوپای مرزشناس ندارد و، بنابراین، در موضع مجذوب شدن می‌نشیند و از پذیرندگی گریزی ندارد. از توضیح بیشتر درباره تمدن مدرن در اینجا درمی‌گذرم، ولی برای فهم واکنش‌های تمدن خفته کهنسال اشارات کوتاهی به برخی از شاخص‌های آن را لازم می‌دانم. اگرچه در این اشارات نظر بیشتر بر وضعیت تمدن کهنسال در ابتدای تلاقی تمدن‌ها متمرکز است، ولی به‌رغم همه تحولات بزرگی که در جامعه و تمدن ایرانی از آن پس در جهت تجدد واقع شده است، هنوز نمی‌توان آن را مدرن، به‌معنای شرکت‌کننده در روند مستمر تولید این تمدن، خواند. رفتار واکنشی، اثرپذیری و مصرفی هنوز شاخص‌های آن هستند. بنابراین، اگر در برخی از زمینه‌ها وضعیت تمدن کنونی ایران دیگر کاملاً به آن صورتی که در اینجا توصیف شده نیست، آن‌چنان نیز دگرگون نشده است که بتوان از یک تغییر ماهوی سخن گفت.

از نظر اقتصادی، این تمدن در آغاز تلاقی با دنیای مدرن هنوز بر ترکیبی از شیوه‌های تولیدی دامدارانه، کوچنده، کشاورزی، و پیشه‌وری غیرماشینی و وسایل ارتباطاتی متکی بر نیروی حیوانی استقرار داشت. بخش اعظم

۱. در این کار فرهنگ را به مثابه چیزی از تمدن به کار می‌برم، چیزی که ناظر بر وجه دانش‌ها، هنرها، باورها و اندیشه‌ها و نهادهای خاص آنهاست.